

جریان خبرسازی نظامی نمی‌خواهد وضعیت افکار عمومی در ایران عادی باشد

نوتام در آسمان شایعات



سیدمهدی طالبی
پژوهشگر حوزه بین‌الملل

از عصر سمنشبه تا بامداد چهارشنبه مطرح شدن اخباری در خصوص نزدیک شدن جنگنده‌های رژیم صهیونیستی به مرزهای غربی ایران و سپس بازگشت آنها، به همراه منتشر شدن فیلم پرواز یک فروند جنگنده میگ ۲۹ بر فراز تهران، باعث درگرفتن بحث‌هایی در میان افکار عمومی شده است.

منبع معتبری پرواز جنگی صهیونیست‌ها را تایید و یارد نکرده است؛ اما می‌توان قضایا را در هر دو صورت به طور کلان تحلیل کرد. تل‌آویو چه جنگنده‌هایش را ارسال کرده باشد، چه نه، اهدافی از این فضاسازی داشته که باید مورد بررسی قرار بگیرند.

تولید گزاره

«وابستگی جنگ به تصمیمی لحظه‌ای»

رژیم از انتشار اخبار خاص و برخی اقدامات درحال تولید این گزاره است که مبادرتش به جنگ نه به آمادگی‌های طولانی مدت بلکه به تصمیمی در لحظه نیاز دارد.

تولید این گزاره تقویت‌کننده سیاست «حفظ سایه جنگ» بر سر ایران است. زیرا در صورت تولید این گزاره که برای آغاز جنگ تنها به تصمیمی لحظه‌ای طی چند ساعت نیاز دارد، باعث انتظار دائمی برای شروع جنگ می‌شود.

این گزاره اما پیشتر از هر جاد در میان افکار عمومی، رده‌های پایین ساختار و فعالان اقتصادی مؤثر می‌افتد. دلیل آن دشواری توصیف صحنه به این گروه‌ها در پی فضاسازی هاست. سیاست ایران در تبیین حملات رژیم صهیونیستی برای افکار عمومی که توسط عالی‌ترین نهادهای سیاسی اتخاذ شده، خودداری هم‌زمان از بزرگ‌نمایی و کوچک‌نمایی توان دشمن است. با شفاف‌سازی به جای تلاش برای

کوچک‌نمایی و یا بزرگ‌نمایی بهتر می‌توان به ابعاد توان نظامی رژیم پی برده و جایگاه آن را مشخص کرد.

در این باره نکاتی وجود دارد: در وهله اول پیش از جنگ برخی از کارشناسان توان رژیم صهیونیستی برای تهاجم به اهدافی در خاک ایران را به طور کلی نفی می‌کردند. در وهله دوم پس از جنگ نیز عده‌ای در ادامه اشتباه پیشین، تاکید داشتند که رژیم صهیونیستی پیش از این فاقد توان تهاجم بوده به‌تازگی به کمک آمریکا آن را به دست آورده است.

این روند اشتباه باعث پله گرفتن قضیه در وهله سوم شد تا جایی که برخی با توجه به این موارد، پیش‌بینی کردند توان آتش صهیونیست‌ها پس از جنگ ۱۲ روزه می‌تواند چندین برابر شود.

کوچک‌نمایی مرحله اول باعث بزرگ‌نمایی تصاعدی در دو مرحله بعدی شد درحالی‌که هر سه مرحله حاوی برداشت‌هایی اشتباه بودند. رژیم از مدت‌ها قبل توسط آمریکا به توانمندی عملیات در دوردست دست یافته بود.

رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۸۱ با جنگنده‌های اف-۱۶ به تاسیساتی در بغداد، پایتخت عراق حمله کرد. این شهر از نظر هوایی ۱۶۰ کیلومتر با مرزهای غربی ایران فاصله دارد.

صهیونیست‌ها در سال ۱۹۸۵ نیز با اف-۱۵ مقر مرکزی سازمان آزادیبخش فلسطین موسوم به «جاف» را در تونس بمباران کردند. این عملیات به بردی ۲۳۰۰ کیلومتری نیاز داشت که بیش از دو برابر فاصله فلسطین اشغالی با ایران است.

این دو عملیات به ترتیب ۴۴ و ۴۰ سال قبل انجام شده‌اند که نشان می‌دهد رژیم مدت‌هاست قادر به عملیات دوربرد است.

صهیونیست‌ها از سال ۲۰۰۰ با مجهز شدن به تعداد قابل توجهی از جنگنده‌های اف-۱۶ آ‌ی که می‌توانند با مخازن سسوخث تطبیقی به بردهای بالاتری دست یابند، توانایی‌های خود برای دسترسی به مناطق مرکزی ایران را تقویت کردند. با این‌حال این توانمندی به معنای کسب قدرت جنگ با ایران نبود. صهیونیست‌ها

با ابزارهای خودقدت اجرای عملیات‌راداشتند؛ نه مبادرت به جنگ طولانی مدت و پر حجم، رژیم صهیونیستی نسبت به توان اوایل دهه ۲۰۰۰، دو ویژگی خود را تقویت کرده که شامل تسلیحات دوربرد هواپرتاب مانند موشک‌های بالستیک و دریافت جنگنده رادارگریز اف-۳۵ می‌شود. حتی با وجود این دو تغییر بزرگ، قدرت آتش دوربرد رژیم پر حجم نیست و همچنان به کار عملیات‌های محدود می‌خورد و تل‌آویو با آن قادر به تحمل جنگ طولانی مدت نیست.

این مسئله در روزهای نخست جنگ با ایران پدیدار شد. صهیونیست‌ها با توجه به آگاهی نسبت به پایین بودن میزان تاب‌آوری خود در برابر حملات ایران دو اقدام را ترتیب دادند. ترور چند فر مانده اصلی و بمباران مداخل پایگاه‌های موشکی ایران در غرب کشور تا بتوانند مانع اجرای فوری و سنگین حملات انتقام‌جویانه شوند. در طی جنگ آتش رژیم غیرتوزیمی بوده و هر بار به استانی متمرکز می‌شد؛ یک‌بار آذر بایجان غربی، یک‌بار لرستان و در روزهای آخر جنگ خوزستان و جنوب. رژیم در طول جنگ ۱۲ روزه دست به عملیات‌های متعدد علیه ایران زد اما آنچه باعث بزرگ دیده شدن جنگ شد، سه مورد بود.

نخست انجام ترورها که جنگ با آن‌ها شروع شد و کیفیتی تلقی می‌شوند. دوم استفاده‌ناتو از عوامل نفوذی مسلح به ریز پرنده‌ها و موشک‌های ضدزره که در داخل عملیات می‌کردند. این عوامل با ابزارهای کوچک همراه خود با استقرار در حومه مناطق نظامی، به تجهیزات پدافندی شامل رادارها و موشک‌ها حمله می‌کردند. اقدام دیگر آن‌ها حمله به لانچرهای موشک‌های زمین به زمین بود. حرکت غیرعملیاتی‌شان نیز به پرواز در آوردن ریز پرنده‌های عمدتاً فاقد مواد منفجره برای مشغول کردن پدافند جهت عبور موشک‌های پرتاب‌شده از جنگنده‌ها و همچنین وادار کردن پدافند توپخانه‌ای در شهرها به واکنش بود تا با تولید سروصدا بتوانند در برخی شهرها فضای رعب حاکم کنند؛ درحالی‌که در واقعیت خبری از حملات نبود. مورد سوم عملیات آمریکا در هدف قرار دادن سه تاسیسات هسته‌ای است. مورد دوم و سوم مستقیم توسط آمریکا و ناتو صورت گرفتند؛ لشکر نفوذی‌ها

بدون قبول مسئولیت و بمباران تاسیسات با قبول مسئولیت انجام شدند. همین دو مورد نیز دست‌انوردهای کاملی نداشتند. لشکر نفوذی دشمن آسیب خورد و حملات آمریکا به تاسیسات هسته‌ای در نابودی بخش‌های زیر زمینی نتایجی مبهم داشتند. از سوی دیگر تهاجم آمریکا باعث حمله انتقام‌جویانه ایران به مرکز عملیات هوایی منطقه‌ای سنتکام در قطر شد.

آنچه صهیونیست‌ها با قوای نظامی خود در جریان جنگ ۱۲ روزه انجام دادند، اجرای چند ده ترور و تهاجم به چند پایگاه نظامی خاص بود.

گرچه تسلیحات نقطه‌زن کمک‌برگی به آن‌ها کرد اما مشخص شد صهیونیست‌ها حجم کاملی از مهمات و وسایل پرتاب را برای تحت تاثیر قرار دادن گستره خاک ایران در اختیار نداشتند و تسلیحات دقیقشان هم وابستگی زیادی به نشانه‌گذاری لیزری نفوذی‌ها و یا پهپاد‌ها دارد. رژیم همچنان قادر به اجرای عملیات در خاک ایران است اما نمی‌تواند با اتصال عملیات‌ها به یکدیگر جنگی بزرگ به راه بیندازد.

نکات

در ادامه به برخی دیگر از زوایای تحول اخیر پرداخته شده است.

رژیم احتمال دارد به سمت عملیات در لبنان حرکت کند و یا تهدید جنگی، خواهان دورنگداشتن جامعه و دولت ایران از حمایت‌است. تهدیدشد جنگی با هدف بازگردانی هوایی روانی بر قیمت ارز و طلا صورت می‌گیرند؛ زیرا به‌زم دشمن با دیده شدن نشانه‌های جنگ جامعه به سمت خرید ارز و طلا حرکت کرده و در نتیجه قیمت‌ها رشد می‌کنند. اقدامات جنگی رژیم با هدف تهدید متولفان ایران صورت می‌گیرد که بر اساس توافقات قبلی باید سلاح‌هایی را در اختیار ایران قرار دهند. این اقدامات نشان‌دادن آمادگی برای حمله به نقاط استقرار سلاح‌های جدید هستند، تا متحدان احساس کنند ارسال سلاح در موقعیت کنونی بی‌ثمر بوده و صرفاً به نابودی آن‌ها منجر می‌شود.

رسانه‌های صهیونیستی مدعی‌اند برخی از ساکنان سرزمین‌های اشغالی در ازای دریافت پول اطلاعات حساس را در اختیار واسطه‌های ایرانی قرار داده‌اند

جاسوسان پولی در اسرائیل



زهرا طبیبی
خبرنگار گروه سیاست

«پول‌آسان، هزینه‌سنگین» کمپینی است که گفته می‌شود سازمانی موسوم به اداره کل نیبلماسی عمومی رژیم صهیونیستی آن را تشکیل داده تا به اسرائیلی‌ها در مورد جاسوسی‌شان برای ایران هشدار دهد. این کمپین تقریباً در تمام رسانه‌ها، شبکه‌های تلویزیونی و رادیویی رژیم منتشر شده است. اسرائیلی‌ها می‌گویند تهدیدهای جاسوسی که در یک سال گذشته آن را تجربه کرده‌اند، بسیار بزرگ‌تر از هر چیزی است که تاکنون شاهد آن بوده‌اند. به همین خاطر تلاش این کمپین‌ها روی این محور متمرکز بوده تا به ساکنان سرزمین‌های اشغالی بگویند انجام اقدامات جاسوسی در ازای پرداخت هزینه‌های کمتر می‌تواند برای آن‌ها مجازات‌های سنگینی داشته باشد. این طور که رسانه‌های صهیونیستی می‌گویند، اکثر قرب به اتفاق این جاسوسی‌ها با انگیزه‌های مالی صورت گرفته است.

امری که نشان می‌دهد امنیت اطلاعاتی در سرزمین‌های اشغالی بسیار شکننده است؛ چراکه ساکنان اسرائیلی آن حاضرند در ازای مقداری پول اطلاعات را لو بدهند. مؤسسه واشنگتن در گزارشی که کمتر از سه ماه پیش منتشر کرده بود، تعداد جاسوسی‌هایی را که مدعی است برای ایران انجام شده ۳۱ مورد اعلام کرده که رده سنی جاسوس‌ها از ۱۳ تا ۷۳ سال را شامل می‌شود. حالا و بعد از رسانه‌ای شدن تعداد بیشتری از این جاسوس‌ها به نظر می‌رسد این روند همچنان صعودی است. نکته حائز توجه آنکه این جاسوسی در یک مورد و محور نبوده و بنا به گفته رسانه‌های صهیونیستی ترکیبی از عملیات‌ها و اقدامات مختلف با سطوح ساده و پیچیده بوده است.

یک سال جاسوسی از پایگاه رامات

۱۶ نوامبر، «تایمز او اسرائیل» خبر از بازداشت جاسوسی ۲۷ ساله به اتهام همکاری با ایران داد. این رسانه مدعی شده «اشیمون آزار» را به مدت یک سال با ایرانی‌ها فردی با نام مستعار «تایرو» – در ارتباط بوده و اطلاعات را از طریق همسرش که در پایگاه هوایی «رامات داوید» کار می‌کرده به دست آورده است. همسر او تکنسین سیستم‌های ارتباطی این پایگاه هوایی است و محتوا از طریق فضای ابری تلغف همراه در اختیار هردو نفر قرار می‌گرفته است. گفته می‌شود او حتی در زمان جنگ ۱۲ روزه نیز تصویری تار از اتاق عملیات در پایگاه همسرش ارسال کرده که صفحه نمایش‌های سیستم نبروی هوایی را نشان داده بود. آزار از اطلاعاتی از محل اصابت موشک‌های ایران هم در اختیار کسانی که تایمز آن‌ها را مقامات ایرانی معرفی می‌کند، قرار داده است. او در این مدت در پایگاه نظامی «گلی‌لوت» مکانی که واحدها اطلاعات ۸۲۰۰ در آن مستقر است، مشغول به کار می‌شود و اطلاعاتی را منتقل می‌کند. آزار را، عملاً این اطلاعات را می‌فروخت و در ازای آن، پول دریافت می‌کرد.

یک جاسوسی استثنایی

«ما متعهد به پیمان هستیم» نام گروهی تلگرافی است که گفته می‌شود جوان ۱۳ساله ساکن سرزمین‌های اشغالی در آن شروع به پیام‌دادن به افراد ناشناس کرده و پس از آن، فرایند جذب و فعالیت او برای دستگاه اطلاعاتی ایران شروع شده است. عملیات‌هایی که در ازای دریافت پول انجام شدند. این فعالیت‌ها ابتدا با شعارنویسی روی اتوبوس‌ها و دیوارها شروع شده؛ اما پس از آن از خواسته می‌شود از مراکز اطلاعاتی و نظامی در سرزمین‌های اشغالی فیلم و عکس تهیه کنند. نیروگاه‌اربین در جارد، نیروگاه ورتنبرگ در اشکلون، نیروگاه اشکل در اشلدو، مکان‌هایی بودند که این شبکه مدعی شده رابط ایرانی از خواسته که از این مکان‌ها عکس و ویدئو تهیه کند و برای او ارسال کند. طبق گفته این شبکه، در ازای تصویربرداری از هر سامانه دفاعی ۲۰۰ دلار و تصویربرداری از تابلوهای برق بزرگ هم ۴۰۰ دلار به او پرداخت می‌شد. این پول‌ها از طریق ارز دیجیتال دریافت شده است.

همچنین از او خواسته می‌شد روی دیوار خانه وزیر خارجه و کاتر وزیر جنگ، چنین شعاری بنویسد «بچه‌های روح‌الله انتقام می‌گیرند.» این نوجوان گفته در



ازای هر شعارنویسی روی خانه‌های مقامات ارشد ۴۰۰ دلار دریافت کرده و همچنین بابت تعقیب افراد ارشد ۴۰۰ دلار به او پرداخت شده است. در مجموع این عملیات‌ها این نوجوان حدود ۱۵۰۰ دلار دریافت کرده است. شبکه ۱۲ اسرائیل در گزارش خود به این موضوع اشاره کرده که آن‌ها در این جاسوسی، با یک مورد کاملاً استثنایی روبه‌رو هستند.

پرواز ریز پرنده مشکوک در نواتیم

شبکه ۱۲ ابعاد دیگری از جاسوسی در اسرائیل را فاش کرده است. پایگاه هوایی نواتیم یکی از اهداف اجرای عملیات جاسوسی بوده، پایگاهی که به گفته شبکه ۱۲ اسرائیل، هدف بیشتر موشک‌های بالستیک ایرانی بود. به تازگی اتاق جنگ این پایگاه به پلیس اطلاع می‌دهد که یک ریز پرنده به حرم هوایی این پایگاه نفوذ کرده. پلیس نواتیم هم برای پیدا کردن عاملان، ریز پرنده‌ای را بلند می‌کند و مکان پرواز پهپاد را مشخص می‌کند و معلوم می‌شود نزدیک به ۸ نفر در حال هدایت این ریز پرنده هستند و در این میان درگیری میان دو ریز پرنده در می‌گیرد. این شبکه مدعی شده هنوز اطلاعات دقیقی از اینکه جمع‌آوری اطلاعات از جانب چه کسانی و چگونه صورت گرفته ندارد؛ اما با اشاره به اینکه نواتیم پیش از دیگر مکان‌ها هدف موشک‌های بالستیک ایران قرار گرفته، این شائبه را تقویت می‌کند که پرواز این ریز پرنده‌ها برای تخمین زدن میزان خسارت‌ها به این پایگاه هوایی بوده است.

تهدیدی کم سابقه در سرزمین‌های اشغالی

مؤارد ذکر شده بخشی از فعالیت‌ها و اقداماتی است که در رسانه‌های اسرائیلی مدعی

هستند دستگاه اطلاعاتی ایران از طریق جذب ساکنان سرزمین‌های اشغالی آن را انجام داده است. مؤسسه واشنگتن در گزارشی که پس از جنگ منتشر کرد، مدعی شد فعالیت‌های جاسوسی دستگاه اطلاعاتی از سال ۲۰۲۴ شروع شده و اقداماتوسی از جمله آتش‌زدن، جمع‌آوری اطلاعات در باره پایگاه‌های نظامی و مقامات دولتی را انجام داده است. این جذب‌ها به صورت آنلاین از طریق تلگرام، واتس‌اب و شبکه‌های اجتماعی انجام شده. سن جاسوسان از ۱۳سال تا ۷۳سال متغیر است. اهداف جاسوسی زیرساخت‌هایی مثل کبند آنتن، بازار موهانه پهپود، پایگاه‌های ارتش اسرائیل و تاسیسات هسته‌ای بوده. جمع‌آوری این اطلاعات عموماً در ازای دریافت رمازن دیجیتال انجام شده. این مؤسسه مدعی اسست این فعالیت‌های جاسوسی که پیش از شروع جنگ علیه ایران هم انجام می‌شد، پس از شروع جنگ ابعاد پیچیده‌تری پیدا کرد و به اقداماتی مثل طرح‌ریزی اقدامات نظامی علیه سیاستمداران ارشد نظامی و سیاسی در سرزمین‌های اشغالی رسیده است. مقامات اسرائیلی مدعی‌اند، افزایش این میزان طرح‌هایی سابقه است. سرپرست پلیس اسرائیل می‌گوید: «اگر بخواهیم این میزان عملیات‌ها را در مقایسه با سال‌های گذشته بررسی کنیم، تعداد افراد بازداشت‌شده در این موارد به انگشتان دو دست می‌رسد.» اقداماتی که این جاسوسان انجام می‌دادند، متنوع بوده. برخی صرفاً مشغول به شعارنویسی و نصب پوستر بودند که این اقدام بیشتر به افراد آماتور محول می‌شد؛ اما به برخی دیگر اقداماتی نظیر جمع‌آوری اطلاعات و تلاش برای جذب دیگر افراد محول می‌شد. در یک مورد اسرائیلی‌ها مدعی شدند پدر و پسر ساکن روستای دروزی مسعد، اطلاعاتی درباره تحرکات ارتش رژیم، در بلندی‌های جولان جمع‌آوری کردند و به یکی از خبرنگاران العالم دادند. این مؤسسه مدعی است این خبرنگار از «باسم و تحریر صفدی» پدر و پسر دروزی خواسته از نیروها، تجهیزات و تحرکات تانک‌ها، فیلم و عکس تهیه کنند.

نکته جالب‌توجه آن است که عمده این جاسوسی‌ها که بخش زیادی از آن پس از پایان جنگ در ماه ژوئن اتفاق افتاده، از جانب اتباع صهیونیستی انجام‌شده. وسعت این عملیات‌ها آن قدر زیاد بوده که مقامات صهیونیستی کمپینی آگاهی‌بخش با عنوان «پول آسان، قیمت سنگین» راه‌اندازی کردند و در شبکه‌ها و پلتفرم‌های مجازی منتشر کردند با این مفهوم که در صورت انجام فعالیت جاسوسی برای ایران، تهرقه‌می معادل ۱۵۰۰ دلار به دست می‌آورند؛ اما به جای آن باید نزدیک به ۱۵سال در زندان بمانید. ایجاد این کمپین اقداماتی ابتدایی برای مواجهه رژیم با رویدادهایی است که تقریباً برای آن‌ها ناشناخته است. آن‌ها به این موضوع اشاره کردند که «آنچه در یک سال گذشته دیده‌اند، تهدید جاسوسی بسیار بزرگ‌تری نسبت به هر چیزی است که قبلاً مشاهده کرده‌اند.» امری که نشان می‌دهد امنیت اطلاعاتی در سرزمین‌های اشغالی حالا بیش از گذشته متزلزل است و نکته مهم‌تر آنکه این درز اطلاعاتی نه توسط فلسطینی‌ها که توسط ساکنان اسرائیلی انجام می‌شود.

مراز زمین بلند کردند. به پدرم و یکی از عموهایم تکیه دادم و به‌همان حالت تا مدرسه مسیر را ادامه دادم.
مادرم جولی در مدرسه ایستاده بود. مرا با شدت در آغوش کشید. ضربان قلبش که پر از هراس بود؛ مرا که از ترس متجمد شده بودم، به لرزه در آورد. با صدایی گریان و نگران تکرار می‌کرد:
«هیزم‌نمی‌خواهیم مادر، نمی‌خواهیم غذا بخوریم.»
بعد از آن واقعه بنا بر این شد که برای سوخت از پالاستیک استفاده کنیم. سَم آسان‌تر از مرگ است.
در روز چهارم نسل کشی، تمام اندوخته ما از غذا و آرد تمام شد. قطعه به اندازه دو وعده پنج برای ما باقی مانده بود. جست‌وجو را شروع کردیم. دوروز بیشتر فرصت نداشتیم.

پی‌نوشت:

*کتاب «شهاده‌من جحیم (الاباده)» «شاهدی از دوزخ انسان‌کشی» نوشته وسام سعید کردم که بلاخره کسبی پیدا شد که مرا نجات دهد. برایشان دست تکان دادم. مرا دیدند. به‌سوی شتابان دویدند. ناگاه با صدایشان به هوش آمدم. فریاد می‌زدند:

«وسیم...وسیم... بیدار شو وسیم...»

عموهایم در صف آب بودند. قرار بر این بود من زودتر بروم هیزم جمع کنم، بعد پدر و عموهایم بعد از تهیه آب، به کمک بیایند تا هیزم را به محل اقامت ببریم.

به محض اینکه به آتجر رسیدم، درست روبه‌روی آن بودم. خیلی خوب به خاطر دارم. چیزی که در آن روز باعث شد اندکی در ورود به بیشه تأخیر کنم، داشتم به کشتی‌های جنگی لعنتی که در نزدیکی ساحل بودند، نگاه می‌کردم. با ترس، با هراس، با درمادگی به آن‌ها نگاه می‌کردم. می‌ترسیدم مرا با بمب بزنند، کسی نبود که مرا نجات بدهد. لیکن ناگهان هوایم‌ای ۱۶ بیشه را بمباران کرد. زمین زیر پام به لرزه درآمد. تنه درختان و ترکش‌ها و شن‌ها به طرفم پرتاب می‌شد.

نمی‌توانستم فرار کنم. پاهایم نای راه رفتن و تحمل پیکرم را نداشت. ضربان قلبم شدت گرفته بود. دست‌هایم می‌لرزید. لب‌هایم از ترس به لرزه افتاده بود. انتظار داشتم مرگ از سمت دریا به سویم بیاید، اما مرگ از آسمان بر سرم آوار شده بود.

از ترس نمی‌توانستم بدمم، به سختی می‌توانستم راه بروم.

در راه‌بازگشتم، پدرم عموهایم را دیدم که از دور می‌آمدند تا حدودی احساس اطمینان کردم که بلاخره کسبی پیدا شد که مرا نجات دهد. برایشان دست تکان دادم. مرا دیدند.

به‌سوی شتابان دویدند. ناگاه با صدایشان به هوش آمدم. فریاد می‌زدند:

فرهنگ‌یگان

فرهنگ‌یگان



پنجشنبه ۶ آذر ۱۴۰۴



شماره ۴۵۶۷



FARHIKHTEGANDAILY.COM



FARHIKHTEGANONLINE

